

## جایگاه امنیت در قرآن و روایات فریقین

محمد باغچیقی\*

### اشاره

بی‌شک انسان در همه ابعاد زندگی اش (فردی، اجتماعی یا ...) به امنیت نیاز دارد و اگر امنیت او در هر کدام از این ابعاد خدشه‌دار شود، به همان میزان آرامش و آسایشش نیز تحت الشعاع قرار می‌گیرد؛ از این رو امنیت را می‌توان از جمله مهم‌ترین نیازهای بشر در تمامی دوران‌ها به شمار آورد. امنیت، نیازی است که همواره مورد تأکید قرآن کریم و روایات بوده است؛ به گونه‌ای که برقراری امنیت از دعا‌های همیشگی انبیا، ائمه اطهار و اولیاء الهی علیهم‌السلام بوده است. در این نوشتار، ضمن بیان جایگاه امنیت در قرآن و روایات فریقین، به برخی از مهم‌ترین آثار و عوامل ایجاد امنیت در کتاب و سنت اشاره خواهد شد. گفتنی است امداد الهی، ایجاد حصن و مانعی مناسب بین خود و دشمن، تقویت قوای کشور، جهاد و قتال با دشمنان و حکومت‌یافتن پیشوایان صالح و عادل، از جمله مهم‌ترین عوامل ارتقای امنیت در جامعه اسلامی هستند که در قرآن و روایات به آنها اشاره شده است.

### معنا و مفهوم «امنیت»

«امنیت» مشتق از ریشه «امن» است. بر اساس تصریح لغت‌شناسان ماده «امن» به معنای آرامش قلب و دل است. ابن فارس می‌نویسد:

الهمزة والميم والنون أصلان متقاربان: أحدهما الأمانة التي هي ضد الخيانة، ومعناها

سكون القلب، والآخر التصديق والمعنيان كما قلنا متدانيان؛<sup>۱</sup>

\* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام.

۱. ابوالحسین احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۳۳.

همزه و میم و نون (یعنی امن)، دو معنای نزدیک به هم دارند: یکی امانت که ضد خیانت و به معنای آرامش دل است و دیگری به معنای گواهی دادن و تصدیق کردن و همان گونه که گفتیم این دو معنا به هم نزدیک‌اند (چراکه انسان، چیزی را تصدیق می‌کند و بدان گواهی می‌دهد که درباره آن اطمینان و آرامش قلبی داشته باشد).

راغب اصفهانی نیز می‌نویسد: «أصل الأمان: طمأنينة النفس وزوال الخوف، والأمن والأمانة والأمان في الأصل مصادر؛<sup>۱</sup> امن: در اصل به معنای آرامش خاطر و آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است. واژه‌های "أمن"، "أمانة" و "أمان" در اصل مصدر هستند». هنگامی که در زبان عربی گفته می‌شود: «رجل امنه»؛ مراد شخصی است که مردم از او در امان باشند و از شر و گزند رسیدن از سوی او بیمی نداشته باشند.<sup>۲</sup> امنیت را می‌توان مصونیت و ترس نداشتن فرد، گروه و ملت از تعرض و تجاوز به حقوق مشروع خود دانست که چنین مصونیت و ایمنی در هر دو حوزه مادی و معنوی طرح‌شدنی است.

### جایگاه امنیت در قرآن و روایات

«امنیت» و مشتقات آن را از واژگان پرتکرار قرآن کریم و روایات فریقین می‌توان قلمداد کرد. این مهم به خوبی جایگاه مسئله امنیت را در نگاه اسلام روشن می‌کند.

### آیات قرآن کریم

یکی از مهم‌ترین محورهایی که در قرآن و روایات درباره امنیت می‌تواند مورد توجه واقع شود، این است که خدای متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام همواره «امنیت» را نعمتی مهم به شمار آورده‌اند. یکی از احتمال‌های مهمی که درباره مفهوم «نعیم» در آیه «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۳</sup> از سوی مفسران فریقین مطرح شده است، این است که نعمت قابل پرسش در قیامت، همان مسئله امنیت است. ابن ابی حاتم - مفسر مشهور اهل سنت - ذیل آیه مذکور روایتی را بدین ترتیب نقل می‌کند: «عن ابن مسعود عن النبي صلی الله علیه و آله في قوله: "ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ" قال: الأمان والصحة؛<sup>۴</sup> ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمود مراد از واژه "نعیم" در این آیه، "امنیت و صحت" است».

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۰.

۲. ابوالحسین احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳. تکاثر: ۸.

۴. عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۴۶۰.

عده‌ای از مفسران شیعه نیز ذیل این آیه تصریح کرده‌اند با توجه به روایت نقل شده از امام باقر و امام صادق علیهما السلام، یکی از احتمالات معنای «النعیم» در آیه ۸ «تکاشر»، «امنیت و سلامتی» است.<sup>۱</sup> در برخی از کتب روایی نیز آمده است: «عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى "لَتَسْتَئِنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ" قَالَ الْأَمْنُ وَالصَّحَّةُ وَالْعَافِيَةُ؛<sup>۲</sup> از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره معنای نعمت ذکر شده در آیه "لَتَسْتَئِنَّ... " پرسیده شد؛ ایشان فرمودند مراد از آن "امنیت، صحت و سلامتی" است. در برخی آیات دیگر نیز به اهمیت امنیت اشاره شده است؛ از جمله هنگامی که در عصر حیات حضرت ابراهیم علیه السلام عده‌ای از مردم به شهر مکه مهاجرت کردند و در آنجا اقامت گزیدند، آن حضرت چنین دعا فرمود: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ؛<sup>۳</sup> پروردگارا این شهر را شهری امن قرار بده و من و فرزندانم را از اینکه بت‌ها را پرستیم دور بدار». همچنین هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام، فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام و همسرش جناب هاجر را در مکه اسکان داد، خطاب به پروردگار چنین عرض کرد: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ؛<sup>۴</sup> و [به یاد آور] هنگامی که ابراهیم علیه السلام گفت: پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن قرار ده و اهل آن را، آنان که به خدا و روز آخرت ایمان آورده‌اند، از ثمرات [گونگون] روزی ده».

### روایات معصومین علیهم السلام

درباره مفهوم «امنیت» بین محدثین فریقین روایات متعددی وارد شده است که در ادامه به دو روایت اشاره می‌شود.

### روایت اول

طبرانی از ابن عباس نقل کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ نِعْمَتَانِ مَعْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ؛<sup>۵</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دو نعمت هستند که مردم در آنها مغبون می‌شوند: امنیت و سلامتی». شبیه این روایت با اندکی تفاوت در مصادر روایی شیعه نیز نقل شده است؛ در خصال شیخ صدوق می‌خوانیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ

۱. عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۶۵.

۲. مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۴.

۳. ابراهیم: ۳۵.

۴. بقره: ۱۲۶.

۵. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۱۹۸.

والعافیة؛<sup>۱</sup> دو نعمت است که شکر آنها گزارده نمی شود: امنیت و سلامتی).

### روایت دوم

امام صادق علیه السلام فرمود: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ؛<sup>۲</sup> سه چیز است که مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و رفاه».

با وجود این همه آیات و روایات، مشخص می شود امنیت از جمله نعمت های دارای اولویت بالا در زندگی بشر است که هر انسانی بدان محتاج است.

### عوامل ایجاد و ارتقای امنیت در قرآن و روایات

می توان مهم ترین اثر وجود امنیت در زندگی انسان را افزایش آسایش و رفاه اجتماعی قلمداد کرد؛ از این رو هرچه امنیت در جامعه ای افزایش یابد، به همان میزان نیز آسایش یکایک آن جامعه نیز افزایشی خواهد بود. ابن حبان روایت کرده است: «عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: طَيْبُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ؛<sup>۳</sup> زندگی خوب در امنیت است». علی علیه السلام نیز می فرماید: «رِفَاهِيَّةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ؛<sup>۴</sup> آسایش زندگانی در امنیت است». همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، همواره در زندگی اش کمبود دارد و کم خرد و دل نگران است: اول: سلامتی جسم، دوم: "امنیت"، سوم: روزی فراوان، چهارم: همراه هم رأی ... و پنجم که در برگرنده همه اینهاست، رفاه و آسایش است».<sup>۵</sup>

در قرآن و روایات به برخی از مهم ترین موارد مؤثر در ایجاد و ارتقای امنیت اشاره شده است که در ادامه به برخی این عوامل اشاره می شود.

#### ۱. نصرت الهی

خداوند می فرماید: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛<sup>۶</sup> همان خداوندی که آنها را از گرسنگی نجات داد و اطعام کرد و از ناامنی رهایی بخشید و امنیت داد».

۱. شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۳۴.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۰.

۳. ابن حبان ابوحاتم، صحیح ابن حبان، ج ۲، ص ۱۸۱.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۸۹.

۵. شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۸۴.

۶. قریش: ۴.

افزون بر اینکه ظاهر آیه به خوبی نشان‌دهنده امنیت‌بخشی پروردگار به قبیله قریش است،<sup>۱</sup> تذکر این نکته نیز دارای اهمیت است که طبق نظر مفسران، از آنجاکه سوره «قریش» را می‌توان تکمله سوره «فیل» دانست،<sup>۲</sup> چنین نعمتی (یعنی نعمت امنیت قریش)، بر اثر نابودی لشکریان ابرهه توسط پروردگار ایجاد شده است. با این وجود مشخص می‌شود امداد الهی را می‌توان از جمله عوامل، بلکه مهم‌ترین عامل توسعه امنیت به شمار آورد. بر همین اساس اولیای الهی همواره از پروردگار متعال، امنیت را طلب می‌کردند؛ چنان‌که در کافی روایت شده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَهَلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ رَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ...<sup>۳</sup>

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگاه هلال ماه را می‌دید، این گونه دعا می‌فرمود: بارخدا، در این ماه، ما را از امنیت و ایمان و سلامت و اسلام برخوردار گردان.

در دعاهای مأثور از امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ؛<sup>۴</sup> بارخدا، گشایش در روزی و امنیت در وطن را عطایم فرما».

## ۲. ایجاد امنیت بین خود و دشمنان

پروردگار متعال ماجرای نقل می‌کند که بین خود و دشمن امنیت‌افزایی می‌نماید:

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا \* قَالُوا يَا ذَا الْقُرْآنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا \* قَالَ مَا مَكْنَىٰ فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا \* آتُونِي زُبُرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا \* فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا؛<sup>۵</sup>

[و همچنان ذوالقرنین به راه خود ادامه داد] تا به میان دو کوه رسید و در آنجا گروهی

۱. چنان‌که طبری مفسر مطرح اهل سنت ذیل آیه مذکور می‌نویسد: «طبق این آیه شریفه خدای متعال قریش را از شر دشمنان و همچنین شر بیماری‌هایی نظیر جذام امنیت بخشید...» (محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳۰، ص ۲۰۰).

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۴۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۷۰.

۴. علی بن موسی سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۷۴.

۵. کشف: ۹۳ - ۹۷.

دیگر را یافت که به علت [دوگانگی زبان] سخن آنها را نمی‌فهمیدند. [آن گروه به او] گفتند: ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند؛ آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم که میان ما و آنها سدّی ایجاد کنی؟ [ذوالقرنین در پاسخ گفت:] مرا با نیرویی یاری کنید تا میان شما و آنها سدّ محکمی بسازم. [پس آن‌گاه ذوالقرنین] گفت: قطعات آهن بیاورید و دستور داد [زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین] تا مساوی دو کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند و سپس آتش افروخته تا [سرانجام آن چنان سدّ نیرومندی ساخت] که آنها [قوم یاجوج و ماجوج] قادر نبودند از آن بالا روند و نمی‌توانستند نقبی در آن ایجاد کنند.

بر اساس این آیات، قومی که با جناب ذوالقرنین روبرو شدند، از ایشان درخواستند با ایجاد سدّی میان آنها و یاجوج و ماجوج که طبق برخی از نقل‌ها آدم‌خوار بودند و به انسان‌ها صدمه جانی وارد می‌کردند،<sup>۱</sup> امنیت‌شان تأمین شود؛ از این‌رو ذوالقرنین که با چنین درخواستی موافقت کرده بود، به واسطه احداث سد و مانعی عظیم میان این قوم و یاجوج و ماجوج، امنیت را برای مردم آن منطقه به ارمغان آورد.

نکته دارای اهمیت دیگری که تذکر آن نیز مفید است، اینکه ذوالقرنین از آن قوم درخواست کرد برای ساخت مانع، به او کمک کنند؛<sup>۲</sup> این مهم نشان می‌دهد افزون بر کارگزاران جامعه که باید برای تأمین امنیت بکوشند، ضرورت اقتضا می‌کند مردم نیز در راستای ایجاد و توسعه امنیت، با کارگزاران همکاری کنند و در این مسیر از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

### ۳. تقویت قوای کشور

خداوند می‌فرماید:

وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَلَفْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ  
وَالْآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛<sup>۳</sup>

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید. و [همچنین] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید. و [همچنین] گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را

۱. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ج ۴، ص ۲۵۱.

۲. کهف: ۹۵.

۳. انفال: ۶۰.

می‌شناسد.

به زعم مفسران، مراد از تقویت قوا در اینجا فقط تقویت نهادهای نظامی و دفاعی نیست، بلکه همه قوای کشور باید تقویت شوند<sup>۱</sup> تا دشمنان آشکار و دشمنان مخفی (نظیر منافقان<sup>۲</sup>)<sup>۳</sup> بترسند و فکر تهاجم به جامعه اسلامی را از سر خارج کنند؛ از این رو مشخص می‌شود تقویت قوای یکی دیگر از عوامل ایجاد و ارتقای سطح امنیت کشور به شمار می‌آید؛ چراکه موجب عقب‌راندن دشمن می‌شود.

در ادامه به فضیلت استثنایی مجاهدانی اشاره می‌شود که در راه توسعه امنیت جامعه اسلامی مجاهدت می‌کنند.

#### ثواب مجاهدت در راه حفظ امنیت جامعه اسلامی

در رابطه با ثواب و فضیلت افرادی که در راه حفظ امنیت جامعه اسلامی تلاش می‌کنند، روایات متعددی وارد شده است که در ادامه به دو روایت اشاره می‌شود.

الف) در سنن ترمذی نقل شده است: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: عَيْنَانِ لَا تَمْسُهُمَا النَّارُ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛<sup>۴</sup> دو چشم‌اند که از آتش جهنم در امان‌اند: چشمی که از ترس خدا بگریزد و چشمی که شب‌ها در راه خدا نگهبانی دهد».

ب) در برخی دیگر از مصادر نیز روایتی از رسول خدا ﷺ گزارش شده است: «حَرَسُ لَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يَقَامُ لَيْلَهَا وَيَصَامُ نَهَارَهَا؛<sup>۵</sup> یک شب نگهبانی دادن در راه خدا برتر است از هزار شبانه‌روز که شب‌هایش به عبادت و روزهایش به روزه‌داری سپری شود».

#### ۴. جهاد با دشمن

افزون بر مورد قبل که نوعی پیشگیری از زیاده‌خواهی و تجاوزطلبی دشمنان بود، باید توجه داشت گاه جهاد با دشمن، موجب ارتقای سطح امنیت جامعه می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۲، ص ۲۹.
۲. ابن‌ابی‌حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۱۷۲۳.
۳. همان.
۴. محمد ترمذی، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۲۷.
۵. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۳۹.

و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ<sup>۱</sup>

با ایشان کارزار کنید تا به کلی فتنه ریشه کن شود و دین تنها برای خدا شود و اگر به کلی دست از جنگ برداشتند، دیگر هیچ دشمنی و خصومتی نیست مگر علیه ستمکاران. همان طور که ظاهر آیه به روشنی دلالت می کند، یکی از راه های دیگر ریشه کن کردن فتنه های دشمنان و برقراری امنیت در جامعه اسلامی، جهاد همه جانبه با دشمنان است.

### ۵. حکومت امام و پیشوای عادل

یکی از عوامل امنیت، حکومت یافتن پیشوای عادل است. با توجه به این مسئله که یکی از وظایف پیشوایان عادل هنگام به حکومت رسیدن، ایجاد امنیت است،<sup>۲</sup> تنها در صورتی که امام و پیشوای عادل حاکم شود، امنیت در جامعه برقرار می شود. چنان که امام رضا علیه السلام فرمود: «با امامت، نماز و زکات و روزه و حج و جهاد کامل می شوند و فقی و زکات جمع آوری می شوند، و حدود و احکام اجرا می گردند و مرزها و سرحدات، نگهداری می شوند».<sup>۳</sup>

بر اساس روایات فریقین، عصر ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را می توان دوران طلایه داری جهانی امنیت دانست؛ در ادامه به دو نمونه از روایات اشاره می شود.

### نمونه اول

در برخی از روایات تصریح شده است در حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام، امنیتی بر جهان حکم فرما می شود که حتی هنگامی که بانوان بخواهند از شهری به شهر دیگر سفر کنند، هیچ چیزی آنان را هراسان نمی کند؛ از این رو به راحتی و در امنیت کامل، سفر خود را انجام می دهند. شیخ صدوق در خصال، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است:

اگر قائم علیه السلام قیام کند، آسمان برکات خود را فرو می ریزد و زمین گیاهانش را می رویاند و کینه و دشمنی از دل های بندگان رخت برمی بندد و درندگان و چرندگان با هم می سازند؛ تا آنجا که زنی که دارای زیورآلات است، عراق را تا شام می پیماید و جز بر سبزه ها گام نمی نهد و هیچ درنده ای او را آشفته و هراسان نمی کند.<sup>۴</sup>

۱. بقره: ۱۹۳.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۲۸، ص ۲۳۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۴. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۶.



## نمونه دوم

در عصر ظهور افزون بر امنیت انسان‌ها که در روایت پیشین بدان اشاره شد، حیوانات نیز زندگی مسالمت‌آمیزی را تجربه خواهند کرد. حاکم نیشابوری از ابن عباس روایت می‌کند: «مهدی علیه السلام همان کسی است که زمین را پر از عدل می‌کند و [در عصر ظهورش] چهارپایان و حتی درندگان نیز در امنیت خواهند بود». <sup>۱</sup> گفتنی است حاکم نیشابوری این روایت را نیز صحیح الاسناد دانسته است. <sup>۲</sup>

## کتاب‌نامه

### قرآن کریم

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، چ سوم، عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن حبان، ابوحاتم، صحیح ابن حبان، چ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ ق.
۳. ابن حنبل، احمد، مسند، چ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، چ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۷. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۹۹۸ م.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چ دوم، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چ اول، بیروت: دارالکلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. سید ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، چ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، چ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۴۰۴ ق.

۱. ابوعبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۹.

۲. همان.

۱۳. شیخ صدوق، علی بن محمد ابن بابویه، خصال، چ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، قاهره: دار الحرمین، [بی تا].
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، چ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان، چ اول، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ دهم، ایران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، چ اول، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.